



جلوه‌های هنر و ادب

در ترجمه قرآن دکتر ابوالقاسم امامی

محمدعلی کوشا

ویژگیهای این ترجمه

خداینامه‌ای برتر

مهمترین ویژگیهای این ترجمه به این شرح است:

۱. معادل‌یابی کلمات قرآن بر پایه فارسی‌روان در سرتاسر این اثر جاودان، معادل‌های پارسی - با حفظ محتوای آیات - به صورت لطیف و روان، بدون زوائد و پیراسته از مطالب داخلی قلاب و پرانتز، برابر آیات قرار گرفته و کلمات و جملاتی که توضیحی لازم می‌طلبیده، در پانوشتها با عباراتی جامع و کوتاه تبیین شده است. حجم برابرهای فارسی نه تنها کوتاه و همخوان، که شیوا و خوشخوان است. نمونه زیر را بنگرید:

﴿قَالَ رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ﴾
(یوسف/۳۳)

«گفت: ای پروردگار من، زندان مرا خوشتر از آنچه مرا بدان می‌خوانند. اگر نیرنگشان را از من باز نداری، به سوی‌شان می‌گرایم و از نادانان باشم.»

پس از سالها انتظار، سرانجام، چشمان قرآن‌پژوهان فرهیخته کار و هنرجویان پارسی‌نگار به جمال ترجمه‌ای جدید از قرآن مجید، روشنایی یافت. اکنون سزه‌نویسان پارسی‌زبان، شاهد نثری نوین و جوان از «ترجمان وحی» اند که به راستی نمونه بارز «قند پارسی» است.

باد آمد و بوی عنبر آورد بادم، شکوفه بر سر آورد این اثر استوار، از پژوهنده پارسی‌نگار و فرهیخته آموزگار، استاد توانای ادب تازی و دری، مترجم توانمند تجارب‌الاسم و دیوان امام علی (ع)، جناب آقای دکتر ابوالقاسم امامی است. این جانب که مدتهای مدید در آرزوی یافتن ترجمه‌ای جدید بر پایه ادب و هنر فارسی بودم، آن‌گاه که با شور و شوق فراوان، ترجمه دکتر امامی را برگزیدم و آیه به آیه به مقابله آن با متن پرداختم، به یاد سخن سخن‌پرداز پرآوازه شیراز، سعدی والامقام افتادم: «به خاطر داشتم چون به درخت گل رسم دامنی پرکنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

۲. نشان دادن توانایی زبان فارسی در ارائه پیام الهی

رسالت دیگر این ترجمه، نشان دادن ظرفیت و توانایی زبان و ادب پارسی در ارائه پیام الهی به صورت منسجم و گویاست. مترجم توانمند در این بُعد چنان هنرمندانه ذره‌های دری را برابر واژگان تازی قرار داده که خواننده آشنا به دو زبان را به شگفتی و تحسین وامی‌دارد که چگونه برای ترجمه قرآن به فارسی روان، قالبی چنین همگون و خوشخوان با این همه ظرافت و زیبایی وجود دارد! به این نمونه بنگرید:

﴿وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَّمَاءُ اقْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (هود/۴۴)

«و گفته شد: ای زمین، آب خود فرو بر، و ای آسمان بس کن. آب فرو نشست و فرمان گزارد آمد و کشتی بر جودی^۱ بایستاد و گفته شد: نفرین بر مردم ستم‌کار باد.»

۳. ارائه هنر زیباشناختی لفظی و معنوی زبان فارسی

از توانایی‌های این ترجمه، ارائه محسنات لفظی و معنوی زبان فارسی در قالب ترجمه آیات الهی است. و اینجاست که هنر «زیباشناختی قرآن» جلوه‌گرانه در نثر فارسی بر دل و جان مردمان تجلی می‌کند. و مترجم، زیباییهای آن زبان را در این زبان منعکس می‌سازد.

عرب جاهلی، بویژه نخبگان فصیح و بیابانگردان سخنور و شاعران بدیده‌سرای آن روز به گونه طبیعی و خودجوش، در سخنوری و چکامه‌سرایی چنان واژگان را در اجرای مقاصد خویش، فصیحانه و هنرمندانه به کار می‌گرفتند، که گاه با این شیوه، قبیله‌ای گمنام و پست بر دیگر قبایل برتری و سروری می‌یافت. اشارت بدین نکته بدان جهت است که در آغاز ظهور اسلام، بیش و پیش از آنکه اعراب و سران قوم، مجذوب محتوا و پیام پر بار قرآن شوند، مسحور و مجذوب زیباییها و انسجام کلمات فصیح و بلیغ این کتاب آسمانی می‌شدند. و از طرفی معاندان آنان چون در خود یارای مقابله با این معجزه بزرگ را نمی‌دیدند، نسبت سحر و ساحری به پیام‌آور بزرگ الهی می‌دادند.

کوتاه سخن آنکه، چیزی که در وهله نخست، سبب جذب مردمان جزیره‌العرب به قرآن و پیامبر شد، زیبایی و دلپذیری شگفت‌انگیز این پیام پر از فصاحت و بلاغت بود. با توجه به جلوه‌های پرفروغ چنین متن مقدسی، باید گفت: برگرداندن آن به هر زبانی، زیباترین و دلپذیرترین ترجمه را می‌طلبد، تا بتواند رسالت خود را برای مردمان، متناسب با ذهن و زبان آنان ایفا کند.

به گمان نگارنده این سطور - که بسیاری از ترجمه‌ها را دیده و یا توفیق بررسی آنها را یافته است - ترجمه آقای دکتر

امامی در بُعد زیباشناختی و ارائه هنر زبان فارسی، «شاهکاری شادی‌بخش» است. او با چیرگی کم‌نظیرش بر ادب تازی و پارسی، چنان ادیبانه و هنرمندانه واژگان فارسی را به استخدام در معادل‌یابی کلمات قرآنی درآورده و آنها را به محسنات لفظی آراسته، و از هرگونه حشو و زوائد پیراسته، که هر آشنا به هنر و ادبی را سخت شیفته و دلبسته اثر خود می‌سازد. اینک به این نمونه‌ها بنگرید:

﴿فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (توبه/۸۲)

«پس، باید اندک بخندند و بسیار بگریند، به کیفر آنچه خود می‌کردند.»

﴿أَقَامُوا مَكَرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمُرُ مَكَرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (اعراف/۹۹)

«آیا از ترفند خدا آسوده‌اند؟ از ترفند خدا جز مردم زبان‌کار کس نیاساید.»

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ «به نام خداوند مهرگستر مهربان.»

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ «بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم.»

﴿مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ﴾ «از گزند آن چه آفرید.»

﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقَاتِ إِذَا وَقَبَ﴾ «و از گزند شب چون درآید.»

﴿وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ﴾ «و از گزند آن زنان که در گره‌ها دمند.»

﴿وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾ «و از گزند رشک‌بر چون رشک برد.»

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ «به نام خداوند مهرگستر مهربان.»

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ «بگو پناه می‌برم به پروردگار مردمان.»

﴿مَلِكِ النَّاسِ﴾ «پادشاه مردمان.»

﴿إِلَهِ النَّاسِ﴾ «پرستنده مردمان.»

﴿مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾ «از گزند وسوسه‌گر نهمان.»

﴿الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾ «آن که وسوسه می‌کند در دل‌های کسان.»

﴿مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾ «از پریان و آدمیان.»

مترجم محترم می‌گوید: «سخن گفتن از امکان رسیدن به ارزشهای لفظی و معنایی قرآن کریم، و آوردن مانندش به هر زبانی، گزافی بیش نیست، اما کمال در پوییدن راه کمال است، نه وصول به آن. چه کمال، ویژه خداست.»

مترجم، در این ترجمه پراچ، که نمونه ایجاز با حفظ معناست از استعمال واژگان ثقیل و مغلق، پرهیز نموده، و با



۱. نام کوهی است. (توضیح از مترجم است)

اسلوب ادب و شیوه هنر، در خور طباع اهل سخن، داد سخن داده و جان کلام الهی را در کالبد زبان فارسی دمیده است. او خود هوشمندانه در راستای کم و کیف ترجمه‌اش تحت عنوان «قرآن و ترجمه» چنین می‌نگارد:

«نگارنده کوشیده است تا زبان ترجمه‌اش زبانی باشد استوار بر کالبد نسبتاً ثابت زبان فارسی، و پالوده از برخی ویژگیهای زودگذرش. تا نثر ترجمه با گذشت زمان رنگ نبازد، دیری بپاید و بدرنگد. که قرآن خود متنی است رسته از زمان که کهنه نمی‌شود، نمی‌فرساید، و فراز و نشیب تاریخ زبان تازی در آن بی‌تأثیر است. به عکس، این قرآن است که با حضور نیرومند در تاریخ و جغرافیای زبان عرب، این زبان را از دگرگونیهای روزگار ننگه داشته و بر استواری آن روز به روز افزوده است.»

۴. قلت حجم و کثرت معنا

یکی دیگر از ویژگیهای هنری این ترجمه این است که مترجم، حجم الفاظ و عبارات ترجمه را بیش از حجم متن قرار نداده، بلکه در سرتاسر آن قلت حجم را با کثرت معنا در هم آمیخته و استواری و ظرافت را با ترکیب هنرمندانه واژگان به خوبی نشان داده است. به ترجمه این آیات بنگرید:

﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ «راه راست را به ما بنمای.»
 ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ «راه آن کسان که بنواختی شان، که نه خشم‌شدگان‌اند و نه گمراهان.»

گفتنی است که بیشتر مترجمان در ترجمه آیه آخر سوره حمد - سهل‌انگارانه - به خطا رفته‌اند و بدل بودن کلمه «غیر» را از ضمیر «هم» در علیهم نادیده انگاشته‌اند و چنین ترجمه کرده‌اند:

«راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی، نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای؛ نه گمراهان.» (ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی)

اشکال این ترجمه که حاکی از بی‌توجهی به جنبه نحوی آیه است، بر ادیب آگاه پوشیده نیست. در حالی که آقای دکتر امامی با آگاهی از این نکته ادبی، بهترین و شیواترین ترجمه با کمی حجم، از آیه شریفه عرضه داشته‌اند. و نیز ایجاز را با حفظ معنا در ترجمه این آیه بنگرید:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشكَاتٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيئُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (نور/۳۵)

«خداوند فروغ آسمانها و زمین است. داستان فروغ‌اش چون چراغ‌دانی است که در آن چراغی است، چراغ در آبگینه‌ای و آبگینه چون اختری است تابان، که از روغن درختی خجسته آفرزنده‌اش، از زیتون‌بُنی که نه خاوری است و نه باختری^۲. نزدیک است روغن‌اش خود درخشد، هر چند آتشی‌اش نرسد. فروغی بر فروغی. خداوند هر که را خواهد به سوی فروغ خویش راه نماید، خداوند برای کسان مثل‌ها آرد، خداوند دانا بر هر چیزی است.»

در این آیه و دیگر آیات، حجم ترجمه به اندازه حجم متن، با حفظ معنا و محتوا در عین فصاحت و بلاغت، به شیوه‌ای هنرمندانه نگاشته شده است. و نیز نمونه دیگر:

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (آل عمران/۳۷)

«پس، سروردگارش مریم را از او به پذیرش نیکو پذیرفت، و او را نیکو برآورد و زکریا را به سرپرستی‌اش گماشت. هر بار که زکریا در نمازگاه به نزد وی می‌رفت، در برابرش روزی‌ای می‌یافت. گفت: ای مریم تو را این از کجاست؟ گفت: از نزد خداست، خدا به هر که خواهد بی‌شمار روزی دهد.»

مجموع ویژگیهای پنج‌گانه‌ای که برای این ترجمه، با توضیح مختصر و ذکر نمونه برشمردم، این ترجمه را در میان تمام ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن مجید - تاکنون - برجسته و ممتاز ساخته است.

این ترجمه در نگاه مترجم آن

این جانب پس از مطالعه ترجمه چاپ اول آقای دکتر امامی، در سال ۱۳۷۰، نقد نسبتاً مبسوطی بر آن نگاشتم که در مجله میراث جاویدان، شماره ششم، به چاپ رسید، و همان زمان نیز نوشتم: «ترجمه جناب آقای دکتر ابوالقاسم امامی را در مجموع - بعد از اصلاحات مورد نظر - بهترین ترجمه تا زمان حال می‌دانم.» بعد از آن تاکنون این مترجم نامور - فروتنانه - مشوق این بنده در نقد این ترجمه بوده‌اند. اکنون که در چاپ جدید، اصلاحات فزاینده‌تری از آنچه که من می‌خواستم در آن به عمل آمده است، همچنان بر باور پیشین خویش پایبندم و این اثر را بهترین ترجمه می‌دانم. ولی این بدان معنی نیست که آثار ارزشمند دیگر مترجمان را نادیده انگارم.

مقام همه مترجمان قرآن، رفیع و بلند و تلاش و کوشش آنان در خور قدردانی فراوان است، و هر کدام ویژگیهای

۲. یعنی سوخت آن چراغ از روغن زیتون درخت باشد، درختی که از همه سو آفتاب می‌خورد و زیتونش خوب و پرروغن است. (توضیح از مترجم است)



تبدیل نموده‌اند!

و نامقبول‌تر، چهار صفحه آغاز و ده صفحه پایان این چاپ است، که آن را به قطع نیم جیبی و کوچکتر از آن درآورده‌اند! به طوری که ترجمه سوره حمد و آغاز سوره بقره، تنها با ذره‌بین قابل خواندن است! و از طرفی فهرست اسامی سوره‌ها در پایان، چندان ریز است که به سختی خوانده می‌شود. و نامناسب‌تر آنکه گفتار بسیار ادیبانه و عالمانه مترجم، تحت عنوان «قرآن و ترجمه» را که بیانگر کم و کیف کار او و انگیزه ترجمه و رسالت آن است، به صورت ریز و درهم فشرده و بی‌جاذبه، عرضه کرده‌اند.

اشکال دیگر چاپ دوم، ناشیگری در نحوه لیتوگرافی است، که کادر تذهیب را چسبیده به سطرهای هر صفحه و بدون فاصله لازم، قرار داده‌اند. با اینکه می‌توانستند کادر تذهیب را بزرگتر بگیرند و به انتهای سه طرف صفحه و تا مرز آن برسانند. و نیز کیفیت پایین مقوای جلد کتاب و طرح ساده نامناسب روی جلد، مزید بر نقصان این چاپ شده است!

امید است که دست‌اندرکاران نشر این ترجمه، این انتقاد خالصانه و دلسوزانه را در جهت کمال کار خود تلقی فرمایند. و کیفیت کار را فدای کمیت آن نکنند و ان‌شاءالله در چاپهای بعد، این اثر ارزنده را به قطع وزیری بدون ایرادهایی که عرض شد، به شیفتگان قرآن عرضه کنند.

خاص خود را دارند. و بزرگانی همچون استاد محمدمهدی فولادوند، استاد عبدالرحمن آیتی و استاد بهاءالدین خزّمشاهی، هر کدام ترجمه‌ای شیوا، روان و مقبول طبع همگان، عرضه داشته‌اند.

امروزه با توجه به تلاقی و اصطکاک فرهنگها، بیش از هر زمان دیگر، به فرهنگ‌نویسی خالص و روان - بویژه در ترجمه قرآن و متون درسی و آموزشی - نیاز بیشتری احساس می‌شود^۳. تلاش و کوشش استاد امامی هم در همین راستاست ولیکن او خود را هنوز در آغاز کار می‌داند و چنین می‌نویسد:

«با همه کاستیهای ناگزیر در ویرایش نخست، که اینک در ویرایش دوم هم به قدر توان استدراک شده، باز پذیرفته دانشورانی افتاده است که خشنودی‌شان نگارنده را در شیوه‌ای که برگزید، همچنان دلیر، و در برخورد با سلیقه‌ها و پسندهای گوناگون، همچنان دلگرم می‌دارد.

با این همه، نگارنده هنوز در آغاز است. ولی امید دارد که با پیگیری پژوهش در نکته‌ها و رازها و معانی ژرف و باریکی سخن خدا، و پردازش پیاپی کار خود، و سرانجام با سود جستن از رهنمونیهایی که پس از نشر هر ویرایش از آن برخوردار خواهد شد، در هر چاپ گامی فراپیش بردارد و به آرزو نزدیکتر شود.»

مقایسه چاپ اول و دوم



چاپ نخست ترجمه قرآن دکتر امامی از طرف انتشارات نگار و با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه، به خط مرحوم احمد نیریزی - بهترین خطاط ایرانی در قرن دوازدهم - در قطع رحلی، با کاغذ اعلای تمام گلاسه و با تذهیب جالب تمام صفحات، در تیراژ ده هزار جلد در سال ۱۳۷۰، منتشر شد.

چاپ جدید این اثر، به خط عثمان طه، در قطع رقیعی، به وسیله انتشارات اسوه وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه، در سال ۱۳۷۷ در چاپخانه بزرگ قرآن کریم، ظاهراً در تیراژ صد هزار جلد، منتشر شده است.

امتیاز این چاپ نسبت به چاپ اول، فقط در ارائه ترجمه کاملتر آن بر اساس اصلاحات و تجدید نظر مترجم محترم است. ولی از نظر کاغذ و تذهیب و قطع و اندازه، با چاپ پیشین قابل مقایسه نیست.

افسوس و دریغ! که ناپختگان دست‌اندرکار نشر جدید آن، گوهرناشناسانه به صرافی پرداخته‌اند! و این اثر ممتاز و ماندگار را در قطع نامناسب رقیعی، با خط ریز چاپ کرده‌اند. که با توجه به کادر تنگ تذهیبی رنگ پریده و بی‌جاذبه آن، در واقع، قطع و اندازه واقعی هر صفحه را به قطع جیبی

۳. این جانب چشم به راه و منتظر ترجمه آقای دکتر محمدحسین روحانی، پاریسی دان سره نویس هستم.